



## The Role of the Thesaurus in Discovering the Meaning of the Dhanb of the Prophet and Istighfar of the Prophet in the Qur'an (Based on Verse 2 of Surah al-Fath) by Comparing the Views of Tabatabaei and Tabari

Fatemeh Abazarpour<sup>1</sup>

Seyyed Qasem Hosseini<sup>2</sup>

Received: 16/06/2021

Accepted: 07/09/2022

### Abstract

The extent of the infallibility of the Holy Prophet is one of the controversial topics of Shia and Sunni commentators, which is discussed based on some verses that deny infallibility, such as verse 2 of Surah Fath. This verse clearly tells about the existence of the human's sin and God's forgiveness for the Holy Prophet. This paper, through using a descriptive-analytical method, has compared the views of Ayatollah Tabatabaei and Tabari, two of the prominent commentators of Fariqain, in discovering the meaning of the word in the verse, and similar verses. As a result, despite the differences in the principles of belief, both commentators believe that "Dhanb (sin)" and "Istighfar (The act of seeking forgiveness from Allah)" mentioned in the verse have a different meaning compared to other similar verses. Based on external evidence, from the narrative of Ayesha and ordering the

---

1. Level 4 Seminary student at Umm al-Banin Hawzah, Babol Level 4 Specialized Higher Education Institute, (Corresponding author). g.abazarpour@chmail.ir.

2. Assistant Professor of Qom University of Qur'anic Sciences and Education. mirtahal@yahoo.com.

\*Abazarpour, F., & Hosseini, S. Q. (1401 AP). The Role of the Thesaurus in Discovering the Meaning of the Dhanb of the Prophet and Istighfar of the Prophet in the Qur'an (Based on Verse 2 of Surah al-Fath) by Comparing the Views of Tabatabaei and Tabari. *Journal of Islamic Knowledge Management*. 4(7), pp. 163-188. DOI:10.22081/JIKM.2022.60822.1056.

Prophet to seek istighfar, in verse 3 of Surah Nasr, without direct connection with the literal meaning, Tabari interprets it as a level of gratitude that a new interpretation of the word is according to the mystical term. Based on the context of the verses, Tabatabaei considers the sin mentioned in the verse as the idea of the polytheists' sin towards the Holy Prophet and considers its forgiveness to mean erasing the results of enmity and the consequences of polytheists' hatred towards the Prophet, which is in accordance with the root meaning of the word in literature.

**Keywords**

Dhanb and Istighfar, discovery of meaning, infallibility of the Prophet, Tabari, Tabatabaei.

## دور المصطلحات في الكشف عن معنى مفهوم ذنب رسول الله واستغفاره في القرآن (استناداً على الآية الثانية من سورة الفتح) مع مقارنة آراء الطباطبائي والطبري

فاطمة أباذر پور<sup>١</sup>      السيد قاسم الحسيني<sup>٢</sup>

تاريخ الاستلام: ٢٠٢١/٠٦/١٦      تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٧

### الملخص

كانت مسألة حدود عصمة الرسول الأكرم ﷺ واحدة من نقاط الاختلاف بين مفسري الشيعة والسنة والتي ترد ذيل بعض الآيات النافية للعصمة كآية الثانية من سورة الفتح. وهذه الآية تشير بصراحة إلى وجود الذنب من العبد وغفرانه من قبل الله تعالى للرسول الأكرم ﷺ. وهذه المقالة تقوم بأسلوب وصفي تحليلي بالمقارنة بين آراء اثنين من المفسرين البارزين لدى الفريقين، وهما آية الله الطباطبائي والطبري حول الكشف عن معنى هذه المفردة الواردة في الآية والآيات المشابهة لها. وتبيح المقارنة هي أنه رغم وجود الاختلاف في المباني العقائدية، إلا أن كلا المفسرين يقولان بمعنى متفاوت لمفردتي (الذنب) و (الاستغفار) المذكورتين في الآية وباقي الآيات المماثلة. فالطبري استند إلى القرائن الخارجية من رواية عائشة والأمر للرسول ﷺ بالاستغفار في الآية الثالثة من سورة النصر، وبعيداً عن العلاقة المباشرة بالمعنى اللغوي فسرها بمرتبة من الشكر، وهو تفسير جديد للمفردة استناداً على الاصطلاح العرفاني. أما الطباطبائي ووفقاً لسياق الآيات فقد أرجع الذنب المذكور في الآية بتصور ذنب المشركين نحو الرسول الأكرم ﷺ، وغفرانه بمعنى محو الآثار الحاصلة من عدا المشركين وعواقب أحقادهم على الرسول ﷺ، وهو ما يطابق معنى جذر المفردة في الأدبيات.

### المفردات الأساسية

الذنب والاستغفار، كشف المعنى، عصمة الرسول ﷺ، الطبري، الطباطبائي.

١. طالبة السطح الرابع في حوزة أم البنين ﷺ. مؤسسة التعليم العالي التخصصي للسطح الرابع، بابل، إيران (الكاتبة المسؤولة).  
g.abazarpour@chmail.ir

٢. أستاذ مساعد، جامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، قم، إيران.  
mirtaha1@yahoo.com

\* أباذرپور، فاطمة؛ الحسيني، السيد قاسم. (١٤٤٣هـ). دور المصطلحات في الكشف عن معنى مفهوم ذنب رسول الله واستغفاره في القرآن (استناداً على الآية الثانية من سورة الفتح) مع مقارنة آراء الطباطبائي والطبري. مجلة إدارة العلم الإسلامي (نصف سنوية علمية - محكمة)، ٤ (٧)، صص ١٦٣-١٨٨. DOI: 10.22081/JIKM.2022.60822.1056

## نقش اصطلاح‌نامه در کشف معنایی مفهوم ذنب رسول الله ﷺ و استغفار رسول الله ﷺ در قرآن (با تکیه بر آیه ۲ سوره فتح) با تطبیق دیدگاه علامه طباطبایی و طبری

فاطمه اباذرپور<sup>۱</sup>      سید قاسم حسینی<sup>۲</sup>  
 تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

### چکیده

گستره عصمت پیامبر اکرم ﷺ از مباحث اختلافی مفسران شیعه و سنی است که ذیل برخی آیات نافی عصمت، مانند آیه ۲ سوره فتح، مطرح می‌شود. این آیه به صراحت، از وجود گناه بنده و بخشش آن از طرف خداوند برای رسول اکرم ﷺ حکایت دارد. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، به تطبیق دیدگاه علامه طباطبایی و طبری، دو تن از مفسران برجسته فریقین، در کشف معنای واژه در آیه، و آیات هم‌نوا پرداخته است. در نتیجه با وجود تفاوت‌هایی در مبانی اعتقادی، هر دو مفسر، قائل به معنایی متفاوت از «ذنب» و «استغفار» مطرح در آیه، نسبت به دیگر آیات هم‌نوا هستند. طبری براساس قرائن خارجی، از روایت عایشه و دستور استغفار به پیامبر ﷺ در آیه ۳ سوره نصر، بدون ارتباط مستقیم با معنای لغوی، آن را به مرتبه‌ای از شکر تعبیر می‌کند که تعبیری جدید در واژه‌نابرابر اصطلاح عرفانی است. طباطبایی براساس سیاق آیات، گناه مطرح در آیه را به تصور گناه مشرکان نسبت به رسول اکرم ﷺ برمی‌گرداند و بخشش از آن را به معنای پاک کردن آثار حاصل از دشمنی و پیامدهای کینه مشرکان به پیامبر ﷺ می‌داند که مطابق معنای ریشه واژه در ادبیات است.

### کلیدواژه‌ها

ذنب و استغفار، کشف معنا، عصمت رسول ﷺ، طبری، علامه طباطبایی.

۱. طلبه سطح ۴ حوزه ام البنین (ع). مؤسسه آموزش عالی تخصصی سطح ۴ بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول).  
g.abazarpour@chmail.ir

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، قم، ایران.  
mirtaha1@yahoo.com

\* اباذرپور، فاطمه؛ حسینی، سید قاسم. (۱۴۰۱). نقش اصطلاح‌نامه در کشف معنایی مفهوم ذنب رسول الله ﷺ و استغفار رسول الله ﷺ در قرآن (با تکیه بر آیه ۲ سوره فتح) با تطبیق دیدگاه علامه طباطبایی و طبری. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۴(۷)، صص ۱۶۳-۱۸۸. DOI:10.22081/JIKM.2022.60822.1056

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوع‌های مطرح در میان مذاهب مختلف، بحث عصمت انبیا علیهم‌السلام است. عصمت انبیا علیهم‌السلام به سبب ایجاد اطمینان و اعتماد مردم به پیام‌آوران الهی، اهمیت و ارزش فراوان دارد. در این میان برخی آیات قرآن نیز موجب ایجاد شبهه در عصمت انبیا علیهم‌السلام هستند، مانند آیاتی که در آن از بخشش گناهان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سخن به میان آمده است، به‌خصوص آیه ۲ سوره فتح که می‌فرماید: «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا؛ تا خداوند گناهان گذشته و آینده را (که به تو نسبت می‌دادند) ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید».

اگر امکان صدور گناه از پیامبر وجود داشته باشد، پس امکان خطا در همه جنبه‌های فردی و اجتماعی ایشان نیز وجود دارد. برای نمونه در مورد دریافت وحی، ابلاغ وحی و یا اجرای احکام الهی می‌تواند موجبات تشکیک در آموزه‌های اسلام را فراهم آورد. بر همین اساس، رسیدن به پاسخی صحیح در تفسیر این دسته آیات از نظر مفسران و دریافت دلایل آنها، می‌تواند ضمن مقایسه دیدگاه‌های تفسیری، یکی از مبانی روشن‌کننده در پاسخ‌گویی به این‌گونه شبهات باشد.

در این مقاله به مطالعه دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه از مفسران برجسته شیعه و طبری از مفسران مشهور سنی، براساس روش کشف معنایی واژه می‌پردازیم تا ضمن بررسی مبانی کلامی و پیش‌فرض‌ها و روش تفسیری این دو مفسر، به نمایندگی از اصلی‌ترین شاخه‌های اسلام، به تطبیق تفسیر آیات مربوط به ذنب و استغفار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌ویژه آیه ۲ سوره فتح از دیدگاه دو مفسر پرداخته شود؛ چراکه آیه مذکور از مهم‌ترین آیاتی است که در بحث عصمت انبیا علیهم‌السلام به آن استناد شده است.

تاریخچه بحث امکان گناه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاکی از دیدگاه‌های متفاوت اندیشمندان از جنبه‌های مختلف به این موضوع در کتب و مقاله‌هاست. پژوهش‌هایی چون «بررسی و نقد دیدگاه قاموس قرآن در معنای "ذنب" منسوب به پیامبر در قرآن مجید»، نوشته سید محمود و مطهره‌سادات طیب‌حسینی، در سال ۱۳۹۷، به نقد دیدگاه یک نویسنده در

معنای ذنب که در قرآن مطرح شده، اشاره دارد. در مقاله «بررسی تطبیقی "ذنب" و "استغفار" پیامبر در قرآن از نظر آیت‌الله معرفت و فخر رازی»، نوشته مجتبی نوروزی و امیر علیپور، در سال ۱۳۹۶، به تطبیق دیدگاه دو مفسر کلامی شیعه و سنی در معنای واژه پرداخته شده است. مقاله «ارتباط استغفار با عصمت انبیا»، نوشته جواد نجفی‌کانی، در سال ۱۳۸۴، شامل بحثی کلی در موضوع استغفار و عصمت است. مقاله «بررسی تطبیقی روایات تفسیر آیه ذنب‌النبی ﷺ بر پایه قواعد تفسیری»، از محمدمجید شیخ‌بهایی و محمد کاظم رحمان‌ستایش، در سال ۱۳۹۵ نیز به بحث روایی این مسئله در آیه مورد نظر پرداخته شد. در هیچ کدام از آثار به نقش اصطلاح‌نامه در کشف معنا از واژه مطرح براساس دیدگاه دو مفسر پرداخته نشده است.

این مقاله در پاسخ به این مسئله است که دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله و طبری درباره معنی و مفهوم استغفار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گناه، در آیه ذکر شده و آیات هم‌محور، با توجه به کشف اصطلاح‌نامه‌ای واژگان چیست؟ بررسی مبانی کلامی عصمت و تفسیر مفاهیم آیه از منظر دو مفسر به همراه دیگر آیات ناظر به موضوع، بیان‌کننده تطبیق درستی از دیدگاه این دو مفسر در تفسیر معناشناسانه از واژه‌های «ذنب» و «استغفار» مطرح در آیه، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

شناخت مفاهیم ضروری بحث، موضوع محل بحث را روشن و از خلط مباحث جلوگیری می‌کند. مفهوم اصطلاح‌نامه و کلمات «ذنب» و «استغفار» از مفاهیم اصلی بحث است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

### ۱-۱. مفهوم اصطلاح و اصطلاح‌نامه

اصطلاح، به معنای صلح و سازش و اتفاق جمع مخصوص برای وضع يك کلمه آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۷۲) که آن لفظ را در معنی خاصی متداول می‌کنند (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۱۶). «صلح» در عربی نیز به معنای اصلاح و سازش بین قوم ذکر شده است

(مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶، ص ۳۲۱)، اما معنای متداول امروزی آن در وضع متداول برای کلمه، بیان نشده است.

اصطلاحات، واژگان متداول و متعارف در هر علم، فن و عرف خاص هستند (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶، ص ۷) و اصطلاح‌نامه بیان‌کننده اصلاحات و برقرارکننده روابط متقابل بین آنهاست (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

استفاده از روش اصطلاح‌نامه در کشف معنای واژه‌های قرآن، به معنای استفاده از معانی کاربردی کلمات برای کشف مفهوم واژه‌ها در قرآن است که می‌تواند تأثیر بسیاری بر تفسیر صحیح از مراد الهی از آیات قرآن براساس کاربرد اصطلاحی کلمات داشته باشد؛ چراکه خداوند همان کلمات، مفاهیم و اصطلاحات بشری را در انتقال مفاهیم به او به کار برده است. طبیعی است که استخراج مفهوم به روش صحیح از ظواهر قرآن، نسبت به روش‌های دیگر ترجیح دارد.

## ۱-۲. مفهوم ذنب

«ذنب» از نظر لغوی، در معنایی مترادف از گناه و معصیت آمده است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۰؛ ازهری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۳۱۵). هرچند این کلمه برگرفته از واژه «ذم» به معنای دنباله است (ابن درید، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۶)، گرفتن با ذم، در استعاره برای نصیب به کار می‌رود (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۳۳۱)، چنان‌که به دنباله‌روان شخص، اذنب گفته می‌شود (ازهری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۶). این واژه در اصل، معنای خود جرم، مؤخر بودن چیزی و بهره و نصیب را در بر دارد (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۱).

از آنجا که دنباله در آخر وجود قرار گرفته، پیامد گناه را «ذنب» گویند، اما در اصطلاح به خود گناه هم اطلاق می‌شود (فتاحی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۴). «ذنب» درجه‌ها و مراتبی دارد که از مخالفت اوامر و نواهی واجب شروع می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۵) که فهم عرفی، آن را در گناه شناخته شده می‌داند (حیدری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۳۹)؛ در صورتی که هر وجودی در غیر مقام قرب واحد، دارای نقص و ذنب است (حیدری،

۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۱۵۷). به طور کلی هر عملی که برای قلب، حالتی ظلمانی ایجاد کند و مانع مکاشفه شود و قلب را به سوی دنیا و شهوات آن بکشاند، ذنب است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۶۰)؛ یعنی هر گونه التفات به غیر حق تعالی، برای اهل سلوک گناه است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۶).

کاربرد آن برای انبیا، در تزلزل معصوم از قصد عبادت یا امر مباحی است؛ زمانی که بدون قصد و حس واقع شود. سالک قطع طریق می کند، ولی قدمش سست و در طریق، متزلزل می گردد (دهلوی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۲۱). از عبد گناه صادر نمی شود، مگر اینکه در ذهنش از خدا غافل باشد؛ زیرا غفلت از چیزی و توجه نکردن به آن، به منزله غیبت از آن است؛ اگر چه در ظاهر، حاضر و شاهد است. صدور گناه از عبد مؤمن موقن، در توجه به غیر است که همان حجاب او از پروردگار است (علی مدد کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۰۶). حتی برخی مراتب برای افراد خلص، ذنب است؛ هر چند خواطر، گذرا باشند. رسیدن به مقامات و مدارج، در غفران از هر مرتبه و طی مدارج از منزلی به منزل دیگر از عالم است که با مغفرت از ذنوب، مرتبه سابقه حاصل می شود. مرتبه ذنب وجودی، مبدأ تمام ذنوب است و نهایت مراتب با فنای تام است (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۷۸).

### ۳-۱. مفهوم استغفار

«استغفار» از ریشه «غفر» به معنای پوشش آمده است (ابن فارس، ج ۴، ص ۳۸۵). همچنین گفته می شود که «لباس پوشیده شد»، زمانی که پارچه آن پرزدار شد (فراهیدی، ج ۴، ص ۴۰۶؛ صاحب بن عباد، ج ۵، ص ۶۸؛ ابن فارس، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۵)؛ چرا که در این حالت، شکل اصلی آن پوشیده و پنهان می شود. برخی نیز «غفر» را به معنای بیم و ترس آورده اند که انسان را از پلیدی مصون می دارد و «استغفار» را به معنای طلب غفران کردن با زبان و عمل می دانند. استغفار زبانی بدون فعل و عمل، روش دروغ گویان است (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۲، ص ۷۰۲). برخی نیز در معنای آن فقط طلب مغفرت از خداوند را ذکر کردند (فیروزآبادی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۴).



«استغفار»، طلب کردن از درگاه الهی برای آمرزش گناه و یا درخواست برای پوشاندن آنها خواه زبانی و یا عملی باشد و هدف از آن، مصون بودن از آثار بد گناه و عذاب الهی است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۳۴). استغفار، طلب مغفرت از گناه و اشتباه را شامل می شود که وسیله ای برای مؤمنان در جلب رضایت الهی و راهی برای رهایی از گناه و ارتقای معنوی است. پس شایسته نیست که مؤمن از آن دور باشد (حیدری، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱). طلب مغفرت، در ظاهر مجالی برای پوشش گناهانی است که زمان زیادی از آن گذشته و شخص به آنها توجه نداشت و راهی برای تبدیل آنها به عمل صالح است. در استغفار حقیقی، ارتقا و تطهیر موجب تمثل به درجه علین می شود (حیدری، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۳۱۹).

بنابراین استغفار، هم به معنای طلب بخشش و از بین بردن و هم به معنای پوشش و مصونیت از آثار گناه است که مراتبی دارد و از گناهان معهود تا اشتباهها را شامل می شود که نقش مهمی در ارتقا دارد و به این معنی، ابزاری برای مؤمنان در رسیدن به درجات عالی است. پس در این معنی، استغفار از این گناهان، رابطه ای به انجام گناه شناخته شده مخل به عصمت انبیا ندارد.

## ۲. بررسی تطبیقی مبانی کلامی طباطبایی و طبری از عصمت انبیا علیهم السلام

با توجه به اینکه مبانی کلامی علامه طباطبایی به عنوان یکی از مفسران برجسته امامیه، با مبانی کلامی طبری به نمایندگی از عامه متفاوت است و این تفاوت مبنا، در تفسیر آیات و تفسیر واژگان، اثرگذار است، در ابتدا مبانی تفسیری هر یک از مفسران در این موضوع با مقایسه در مذهب خود بیان می گردد تا دیدگاه هر یک با هم و نیز با هم مسلکان خود بررسی شود تا تأثیر مبانی فکری و اعتقادی دو مفسر در بحث عصمت و تفسیر حاصل از آن بر واژگان مشخص گردد.

عصمت به معنای مرتکب نشدن پیامبران به گناه است و استغفار از گناه مصطلح در آیات مطرح، موجب خدشه در بحث گستره و قلمرو عصمت پیامبران الهی است. بنابراین بهتر است تفاوت مبانی شیعه و سنی در تفسیر مصطلحات اعتقادی تبیین گردد.

### ۳. مبنای کلامی طبری و طباطبایی در عصمت رسول اکرم ﷺ

طبری جزو مفسران مطرح سنی است که مبنای کلامی وی، اعتقادات کلامی اهل سنت است. برای شناخت مبنای اعتقادی او لازم است مبنای کلامی اهل سنت بررسی گردد. مبنای کلامی اهل سنت درباره عصمت انبیا ﷺ در برخی موارد با شیعه تفاوت‌هایی دارد. تفتازانی عقیده دارد که جز حشویه<sup>۱</sup> بر این مطلب اجماع وجود دارد که گناه کفر و کبائر برای پیامبران، چه قبل و چه بعد از نبوت، جایز نیست؛ هر چند بیشترشان گناه سهوی را برای پیامبران مجاز دانسته‌اند و جز افراد کمی از علما، بقیه انجام صغائر را جایز، و صدور گناهان سهوی از پیامبران را می‌پذیرند، مگر آنچه را موجب حقارت باشد (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۲).

فخر رازی معتقد است که پیامبران بعد از نبوت، گناه کبیره و صغیره انجام نمی‌دهند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۵۵)، اما ممکن است به‌طور سهوی مرتکب آن شوند. البته وی ارتکاب صغیره را به صورت عمدی در زمان رسالت مجاز می‌داند و در سهو نیز آنها را مانند مردم عادی دانسته و معتقد است که اگر پیامبری پیش از نبوت، در شرایطی نادر گناه کبیره‌ای انجام دهد و بعد هم توبه نماید، در صورتی که توبه او را مردمان بپذیرند، اشکالی در نبوت او پدید نمی‌آورد، اما اگر شخصی پیش از نبوت به سبب انجام گناهان شهرت یافته باشد، نبوت او مخدوش می‌شود (نوروزی و علیپور، ۱۳۹۶). ایشان عصمت قبل از نبوت را لازم نمی‌دانند، اما انجام گناه عمدی کبیره را از پیامبران نمی‌پذیرد، ضمن آنکه امکان صدور سهوی کبیره از آنها را جایز می‌داند (پارسا و پریمی، ۱۳۹۴). به‌طور کلی آنها وجود عصمت را در جایی می‌پذیرند که با اقتضای معجزه در ارتباط باشد (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۲).

برخی نیز گناه انبیا را در زمان رسالت، متفاوت از مردم می‌دانند و آن را جزو حسنات‌الابرار یا سیئات‌المقربین برمی‌شمرند (مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۴).

۱. «حشویه» طایفه‌ای از اهل حدیث هستند که به ظاهر قرآن تمسک می‌کنند. آنها جبرگرا هستند و عقایدی چون جسمانیت خدا از مشخصه فکری آنهاست.

نظر طبری در عصمت، متأثر از دیدگاه‌های افرادی چون تفتازانی از اهل سنت است. ایشان پیامبران علیهم‌السلام را در زمان رسالت در زمره مخلصین می‌دانند که شیطان نفوذی در آنها ندارد «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ گفت: به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص تو» (ص، ۸۲-۸۳).

طبری در داستان یوسف علیه‌السلام و زلیخا به همین توصیف استدلال می‌کند که یوسف علیه‌السلام براساس آیه «وَلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ؛ اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق را ندیده بود (به میل طبیعی) در وصل آن زن اهتمام کردی، ولی ما چنین کردیم تا قصد بد و عمل زشت را از او بگردانیم که همانا او از بندگان برگزیده ما بود»، از انبیای الهی و از مخلصان است که خداوند آنها را در توحید و عبادت خالص نموده است. پس به خدا شرک نمی‌ورزند و از ناپاکی‌ها به دور هستند و قول کسانی را که قائل به امکان گناه برای یوسف علیه‌السلام در صورت ندیدن برهان پروردگار هستند، رد می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، صص ۱۱۳-۱۱۴).

با وجود این، وی مانند هم‌کیشان خود، برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قائل به امکان گناه در قبل و بعد از رسالت است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۳۴) که با توجه به نظر ایشان در مورد ممکن نبودن گناه در زمان رسالت، باید این امکان انجام گناه برای رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را غیر از گناهان کبیره دانست.

از منظر شیعه، عصمت پیامبران امری لازم و ضروری است؛ هر چند ادعا شده که شیعه بر عصمت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گناهان صغیره یا کبیره، سهوی یا عمدی، چه قبل بعثت و چه بعد از آن اجماع دارد (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۳). در واقع هرگونه گناهی چه صغیره و چه کبیره، موجب استحقاق عقاب و سرزنش است که از ساحت انبیا دور است؛ چون موجب نفرت و دوری مردم می‌شود که با هدف انبیا ناسازگار است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۹۵)، اما اختلاف‌های اندکی در گستره عصمت، چه قبل و چه بعد از رسالت در میان شیعه وجود دارد (علم‌الهدی، بی‌تا، صص ۶-۹).

طباطبایی، عصمت را نوعی از علم می‌داند که مانع از انجام معصیت و خطا در

صاحبش می‌شود؛ علمی که مانع گمراهی است، مانند دیگر اخلاقیات که همه آنها صورت علمی را سخنانند و موجب تحقق آثاری هستند که مانع از انجام اضرار آنهاست. علم نافع و حکمت بالغه، موجب تنزه دانندگانشان از افتادن در معرکه ردایل هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۷۸). اثر این علم، مانع انجام کار زشت، به‌طور دائم و قطعی است. این علم هرگز تخلف ندارد و همیشه بر دیگر قوا، غالب و قاهر است و همه را به خدمت خود دارد؛ برخلاف دیگر علوم که تأثیرش در بازدارندگی، اکثری و غیر دائمی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۷۸).

به عقیده وی عصمت انبیا قطعی است، اما منافی اختیار انسان (طبیعت او) نیست و او را مجبور نمی‌کند. از نظر ایشان علم، خود از مبادی اختیار و قوی‌شده اراده است. پس معصوم عَلَيْهِ السَّلَام قصد گناه نمی‌کند و مرتکب آن نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۲۲۱).

طباطبایی، عصمت را صفتی لازم برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌داند و آن را در سه حیثه گرفتن وحی، نگهداری وحی، و رساندن آن به مردم، ثابت می‌داند و معصیت را عملی ضد دعوت می‌نامد که وثاقت را از میان می‌برد و غرض و هدف دعوت را تباه می‌کند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۰). با این حال نظر علامه طباطبایی درباره خطا و نسیان در امور خارج از شریعت، با نظر مشهور متکلمان شیعه هم‌خوانی ندارد. ایشان در ذیل تفسیر برخی آیات، این امور را خارج از شریعت می‌داند و معتقد است که ادله عصمت، این امور را اثبات نمی‌کند. وی نه تنها از امکان، بلکه از وقوع امکان خطا و نسیان در پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز خبر می‌دهد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱). طباطبایی به داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در آیه ۶۳ سوره کهف «فَأَنَّى نَسِيْتُ الْحُوتَ وَ مَا أَنَسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَدْكُرَهُ» اشاره می‌کند و عقیده دارد که آنچه با نافرمانی خدا برگردد، با عصمت انبیا در تضاد است و این نافی آزار شیطان نیست. قرآن نیز این‌گونه تصرفات در انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام را اثبات می‌کند، چنان‌که در داستان حضرت ایوب عَلَيْهِ السَّلَام در آیه ۴۱ سوره ص در «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ؛ و یاد کن از بنده ما ایوب هنگامی که به درگاه خدای خود عرض کرد: (پروردگارا) شیطان مرا سخت رنج و عذاب رسانیده (تو از کرم نجاتم بخش)»، سخن از مس شیطان در نبی خداست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۳۷).

#### ۴. بررسی نظرات دو مفسر ذیل آیه ذنب و استغفار و آیات هم‌نوا

ظهور برخی آیات موجب القای شبهه اثبات گناه برای پیامبران الهی و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که بررسی نظر مفسران در ذیل آن آیات در تفسیر گناه و استغفار از آن، به تفسیر مفهوم ذنب و استغفار مطرح در آیات کمک می‌کند تا معنای صحیح این الفاظ با محوریت آیه سوره فتح دریافت شود.

#### ۴-۱. آیات با موضوع ذنب رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

آیاتی از قرآن درباره گناه از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده که به چند دسته تقسیم می‌شوند: الف) آیاتی که ظاهر آنها بر انجام گناه و یا بخشش از آن دلالت دارد، مانند: آیه ۱۹ سوره محمد، آیه ۳ سوره نصر، آیه ۵۵ سوره غافر، آیه ۴۳ سوره توبه و آیه ۷۸ سوره انبیاء. ب) آیاتی که به‌طور تلویحی به لازمه گناه اشاره دارند، مانند: آیه ۳ سوره انشراح، آیه ۷ سوره ضحی، آیه ۶۵ سوره زمر، آیه ۶۸ سوره انفال، آیه ۳۷ سوره احزاب، آیه ۵۲ سوره حج و آیه ۱۱۳ سوره نساء و...

#### ۴-۲. طرح دیدگاه

با توجه به دیدگاه سنی و شیعه در عصمت انبیا، معناشناسی «ذنب» و «استغفار» مطرح در قرآن، تفاوت تفسیری می‌یابد. بنابراین می‌توان با بررسی دیدگاه دو مفسر طبری و طباطبایی در صریح‌ترین آیه مطرح از بخشش گناه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قرآن، دانست که تفاوت دیدگاه در مبنای عقیدتی بر تفسیر معانی، چه اثری دارد. همچنین تأثیر روش هر یک از مفسران را بر اساس سبک به کاررفته از جهت مبانی و قواعد و در نتیجه، حاصل از اصطلاح‌شناسی این دو واژه را می‌توان مشاهده کرد.

#### الف) نظر طبری و طباطبایی ذیل آیات ذنب و استغفار

یک- آیه ۲ سوره فتح

اول- به عقیده طبری حکم در ابتدای سوره فتح «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ

ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ؛ ما تو را پیروزی بخشیدیم، پیروزی درخشان. تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند، ببخشد، برای شنوندگان و یا برای مخالفان و ناصبان از قوم ایشان بیان شده که خداوند به غلبه رسول اکرم ﷺ و پیروزی ایشان حکم داد. این فتح به خاطر شکرگزاری رسول اکرم ﷺ برای پروردگار و سپاسگزاری ایشان از نعمت‌های اوست تا پیامبر ﷺ خداوند را تسبیح و استغفار کند. بر اثر همین عمل شکرگزاری و استغفار رسول ﷺ خداوند گناهان گذشته، قبل از فتح و بعد از فتح ایشان را بخشید (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، صص ۴۲-۴۳). طبری برای سخن خود به آیه ۳ سوره نصر استدلال می‌کند که در آن خداوند به رسول اکرم ﷺ دستور به تسبیح و استغفار می‌دهد: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا؛ پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است».

استدلال وی به این آیه، به دلیل آن است که این سوره آخرین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است که نشان می‌دهد هر چند ایشان بعد از فتح مکه بر اساس آیه ۲ سوره فتح، بخشیده شده بود، باز هم مأمور به استغفار بود.

وی در ادامه می‌گوید که این آیه، خبری از خداوند به پیامبر ﷺ است در جزای شکرگزاری ایشان برای نعمت‌های پروردگار که در فتح آشکار شد؛ با توجه به اینکه جزا دادن خداوند برخلاف دیگران است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، صص ۴۲-۴۳). آنچه از سخن طبری ذیل آیه مد نظر به دست آمده، نشان می‌دهد که نگاه طبری به طلب استغفار در این آیه، با معنای شناخته شده آن تفاوت دارد. ایشان به روایت ذیل استدلال کرده است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص عِنْدَ عَائِشَةَ<sup>۱</sup> لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تُتَعَبُ نَفْسَكَ وَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ «رسول خدا ﷺ در شب مقرر نزد عایشه بود، عایشه به او گفت: یا رسول الله، چرا خود را رنج می‌دهی، با اینکه خداوند تو را از آنچه در گذشته گناه کردی

۱. در روایت ذکر شده از طبری به اسم عایشه تصریح نشده است.

و آنچه در آینده خواهی کرد، آمرزیده است؟ فرمود: ای عایشه، نباید که بنده شاگردی باشم؟» (کلینی، ۴۰۷، ج ۲، ص ۹۵).

در این روایت، از قول عایشه، به رسول اکرم ﷺ گفته شده که چرا پیامبر به خودی سختی می‌دهد، در حالی که خداوند قول بخشش گناهان گذشته و آینده را به ایشان داده است و رسول ﷺ در پاسخ، شکرگزاری را دلیل می‌آورد. طبری براساس همین دلیل از روایت عایشه، مفهوم استغفار در آیه را متفاوت از معنای شناخته شده آن در دیگر آیات از بخشش گناه، و به معنای مرتبه‌ای از شکر الهی تفسیر می‌کند. پس گناه ذکر شده پیامبر را به معنای معهود تعبیر نمی‌کند. در تأیید مطلب خود نیز از قرآن مدد می‌گیرد؛ چون رابطه‌ای بین استغفار و شکر نیست، مگر اینکه طبری آن را مرتبه‌ای از شکر بداند.

دوم - طباطبایی در تفسیر آیه ۲ سوره فتح آورده که "ذنب" هر عملی است که آثار شوم به دنبال خود داشته باشد و "مغفرت" به معنای پوشاندن هر چیز است. ایشان عقیده دارد که هر چند ظاهر آیه عبارت است از آمرزش گناهان گذشته و آینده رسول اکرم ﷺ، در اینجا این کلمات در معنای ظاهری به کار نرفته‌اند. پس این مطلب که برخی در تفسیر خود، کلمه "فتح" را به آمرزش، اتمام نعمت، هدایت و نصر نسبت داده‌اند، خود بهترین شاهدی است که ذنب ذکر شده در این آیه به معنای معروف کلمه، یعنی مخالفت با تکلیف مولوی (دستوری) الهی نیست. یا مراد از مغفرت نیز ترک عذاب در مقابل مخالفت نیست، بلکه قیام پیامبر ﷺ به دعوت مردم علیه کفر و شرک، در قبل هجرت، و ادامه آن تا پایان جنگ‌های پس از هجرت با کفار مشرک، عملی بود که آثار شوم و ناحقی در پی داشت. از همین آثار مشخص بود که کفار مشرک تا زمانی که شوکت و قدرت داشتند، از ایجاد دردسر برای پیامبر ﷺ خودداری نکردند و هرگز نابودی سنت‌ها و خون‌های ریخته شده را از یاد نمی‌بردند و دست از انتقام خود تا محو اسم و رسم پیامبر، و تسکین کینه‌های درونی خود بر نمی‌داشتند. پس خداوند با فتح مکه یا صلح حدیبیه، شوکت را از آنان گرفت و در نتیجه، گناهی را که رسول خدا ﷺ در نزد مشرکان - البته به گمان آنها - داشت، پوشانید و ایشان را از شر قریش، ایمن کرد.

پس مراد از ذنب، پیامدهای بد و آثار خطرناکی است که دعوت رسول اکرم ﷺ از

ناحیه کفار و مشرکان به بار می‌آورد و این آثار از نظر لغت، ذنب است؛ ذنبی که در نظر کفار، وی را در برابر آن، مستحق عقوبت می‌سازد، مانند حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در آیه ۱۴ سوره شعرا «وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُون» و آنان بر گردن من گناهی دارند؛ می‌ترسم مرا بکشند»، که در جریان کشتن جوان قبطی، از نظر آنها خود را گناهکار می‌خواند.

گناهان آینده نیز عبارت است از خون‌هایی که بعد از هجرت، از صناید قریش ریخت و مغفرت خدا نسبت به گناهان ایشان، به معنای پوشاندن آنها و ابطال عقوبت‌هایی است که به دنبال دارد و در واقع همان گرفتن شوکت و بنیه قریش بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، صص ۲۵۳-۲۵۵).

طباطبایی در این آیه، واژه ذنب از استغفار را براساس سیاق به معنای معمول آن یعنی استغفار از گناه نمی‌داند و آن را رد می‌کند.

سوم - نقد و بررسی: به نظر می‌رسد هر دو مفسر با توجه به مبانی خود، در عصمت انبیا به تأویل معنای ظاهری پرداختند و هیچ‌کدام آن را دلیلی بر اثبات وجود حقیقی گناه برای رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و استغفار برای آن نمی‌دانند؛ چراکه رابطه‌ای بین استغفار بنده از ذنب اصطلاحی، و پیروزی در جنگ وجود ندارد. هرچند روش دو مفسر در توجیه این مطلب متفاوت از دیگری است، نتیجه هر دو نظر، تعبیر متفاوت از معنای ذنب و استغفار در آیه مربوط به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با معنای آن در آیات دیگر است. طبری آن را در نسبت با رسول براساس روش روایی و آیات قرآن، و طباطبایی آن را در نسبت با دشمنان و در رابطه با معنای واژه تفسیر می‌کند. البته طبری معنای جدیدی از واژه ارائه می‌کند که به مرتبه‌ای از مراتب گناه برمی‌گردد؛ اما تفسیر معناشناسانه علامه برگرفته از ریشه لغوی واژه «ذنب» از پیامدها و آثار گناه - مفروض نزد کفار - به واقع نزدیک‌تر است.

## دو - آیات هم‌محور با آیه ۲ سوره فتح

طبری در آیات دیگر، معنای مصطلح گناه را می‌پذیرد و قائل به انواع متفاوت از گناه عمدی و سهوی بر مبنای عقیده خود از عصمت است.



## اول- آیه ۱۹ سوره محمد

طبری در ذیل آیه ۱۹ سوره محمد ﷺ «اشْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ؛ برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان استغفار کن!» قائل به گناه برای رسول اکرم ﷺ در همان معنای مصطلح آن است و عقیده دارد که خداوند گناهان گذشته و آینده رسول اکرم ﷺ و گناهان اهل ایمان را می‌آمرزد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۳۵) که همان معنای معمول بخشش از گناه را منظور کرده است.

طباطبایی در ذیل آیه ۴۸ نساء با اشاره به آیه ۱۹ سوره محمد ﷺ آورده است که حضرت ابراهیم ؑ نیز با وجود عصمت، به خود نسبت گناه می‌دهد، در حالی که منظور در اینجا مخالفت با امر مولا نیست؛ چرا که گناه دارای مراتب است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۸۶). سپس به روایت «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُفْرَبِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۲۰۵) استناد می‌کند. ایشان این گونه موارد را خطیاتی می‌داند که ناشی از ضروریات زندگی اعم از خوراک، خواب و... است که مانعی برای یاد خدا در تمام دقایق زندگی انسان هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۳۸).

به نظر می‌رسد که طبری براساس مبنای عقیدتی خود از عصمت، وجود گناه برای پیامبر ﷺ را می‌پذیرد؛ اما علامه معنای آن را براساس مبنای فکری خود، به مرتبه‌ای از مراتب در غیر گناه مشهور تفسیر می‌کند.

## دوم- آیه ۵۵ سوره غافر

در ذیل آیه ۵۵ سوره غافر «وَ اشْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ وَ سَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعُشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ؛ و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور»، طبری واژه ذنب را به معنای عفو از گناه، نسبت به رسول اکرم ﷺ آورده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص ۵۰).

علامه طباطبایی در ذیل آیه در معنای دستور به استغفار از گناه رسول ﷺ می‌فرماید که این توبه درباره بندگان مقرب نیز مصداق می‌یابد، چنان که درباره حضرت آدم ؑ نیز آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۴۶).

در این آیه نیز مبنای فکری دو مفسر موجب تفسیر متفاوت از گناه برای رسول اکرم ﷺ است. از آنجا که طبری مانند هم‌کیشان خود صدور برخی گناهان غیر کبیره را مغل عصمت نمی‌داند، این واژه را به معنای شناخته‌شده گناه می‌داند؛ در صورتی که عصمت پیامبر ﷺ مانع هرگونه گناه اعم از سهوی و خطایی و... است.

### سوم- آیه ۷ سوره ضحی

طبری در الفاظ هم‌معنای از گناه برای رسول اکرم ﷺ در تفسیر آیه ۷ ضحی در «وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى؛ و تو را گم‌شده یافت و هدایت کرد»، آورده است که: «خداوند به رسول خود می‌فرماید تو در گذشته بر چیزی غیر آنچه امروز هستی بودی؛ اینکه در قوم گمراه بودی و هدایت یافتی و عقیده دارد که این آیه، مطلبی دال بر اثبات گناه ندارد» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۴۹).

طباطبایی نیز گمراهی را هدایت‌نشدن می‌داند و آن را حالتی در نفس می‌خواند که بدون هدایت الهی، نه برای پیامبر و نه شخص دیگر، امکان رسیدن به آن وجود ندارد. نفس به خودی خود نسبت به شناخت ایمان و کتاب، گمراه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۱۰).

هیچ يك از دو مفسر، آیه را دال بر گناه‌کاربودن پیامبر ﷺ نمی‌دانند و آن را به هدایت‌نشدن تعبیر می‌کنند.

### چهارم- آیه ۲ سوره شرح

طبری در برخی دیگر از آیات مانند آیه ۳ سوره انشراح «وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ؛ و بار سنگین تو را از تو برداشتیم»، در معنای برداشتن بار سنگین در دوران جاهلیت از رسول اکرم ﷺ، آن را حمل بر گناهان آن دوران و بخشش خدا از آنها، و دفع سنگینی بار گناه از ایشان دارد و در تأیید مطلب خود، به روایاتی در صدور و بیان گناه از رسول ﷺ استناد می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۵۰).

در مقابل، علامه بر اساس سیاق آیات، سنگینی را مربوط به دعوت رسالت می‌داند؛

همان ثقلی که نیاز به شرح صدر دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۱۵).

تفسیر طبری از معنای «وزر» به گناه، در خدشه نرسیدن به عصمت از منظر ایشان در گناهان قبل از رسالت پیامبر ﷺ است؛ در صورتی که وجود گناه حتی قبل از رسالت، مانعی در جهت پذیرش اجتماعی و جذب قلوب مردم است. به این ترتیب تفسیر ایشان وجهی ندارد.

### پنجم- آیه ۱۱۳ سوره نساء

ایشان در برخی آیات، عتاب‌های ذکر شده را که در ظاهر متوجه پیامبر ﷺ و در مواردی که موجب تصور وجود گناه رسول اکرم ﷺ هستند، رد می‌کند، مانند آیه ۱۱۳ سوره نساء: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ؛ اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند؛ اما جز خودشان را گمراه نمی‌کنند.» طبری آن را تفضلی برای پیامبر در توفیق به عصمت می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۷۰). این آیه متنی است برای آگاهی پیامبر که شکرگزار احسان الهی باشد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۷۷).

طباطبایی در ذیل آیه، از عصمت سخن گفته که مانعی در گمراهی پیامبر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۷۸). فقط عبارت آخر را متنی بر پیامبر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۱). به این ترتیب هر دو مفسر آن را مایه منت‌گذاری خداوند از طرف خدا می‌دانند و این نوع منت‌گذاری توجه‌دادن است؛ و دلیلی بر گناه کردن پیامبر ﷺ نیست.

### ششم- آیه ۸۷ سوره انبیاء

به عقیده طبری آیه «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ من از ستمکاران بودم»، بیان می‌کند که مخالفت حضرت یونس علیه السلام در ترک قوم، برای مداومت بر قوم و صبر بر آنها بود، و دلیل عتاب، گناه نیست (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۳۳۴).

علامه می‌فرماید: «حضرت به عملی اعتراف می‌کند که مانند ظلم است؛ اگر چه فی نفسه ظلم نیست و حضرت نیز قصد ظلم و معصیت ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۱۵).

در تفسیر این آیه هیچ يك از دو مفسر، قائل به گناه برای معصوم نشدند و عمل پیامبر ﷺ را مربوط به جنبه‌ای غیر از گناه مشهور دانستند که شاید در مراتبی از عمل کراهت داشته باشد.

#### هفتم- آیه ۴۳ سوره توبه

طبری در آیه ۴۳ سوره توبه «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعَلَّمَ الْكَافِرِينَ؛ خداوند تو را بخشید، چون پیش از آنکه راست گویان و دروغ گویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی»، وقوع تخلف را برای پیامبر ﷺ می‌پذیرد و عتاب را متوجه ایشان می‌داند؛ با این بیان که پیامبر ﷺ باید قبل از اذن به متخلفان، به جست‌وجو از حقیقت می‌پرداخت و عجله نمی‌کرد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۹۹).

طباطبایی درباره عتاب آیه ۴۳ توبه، عقیده دارد که عتاب جدی نبوده، بلکه مفید غرض است به اینکه اگر به آنها اجازه نمی‌دادی، رسوایی آنها کشف می‌شد و این به معنای تقصیر بر پیامبر ﷺ و بخشش خدا نسب به ایشان نیست، بلکه منظور، افاده ظهور است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۸۴).

هر دو مفسر، عتاب را در خطاب به پیامبر از نداشتن صبر می‌پذیرند. طبری آن را برای کسب اجازه نکردن قبل انجام عمل می‌داند؛ اما علامه معنای ملایم‌تری ارائه می‌کند و آن را به عمل پیامبر در جلوگیری از بروز چهره منافقان نسبت می‌دهد.

#### هشتم- آیه ۶۵ سوره زمر

در آیه ۶۵ زمر «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمال تبه می‌شود و از زیان کاران خواهی بود» نیز خطاب را در حذر از شرک، متوجه رسول ﷺ می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص ۱۷).

طباطبایی خطاب آیه ۶۵ زمر را حقیقی، و تهدید و انذار واقعی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که عصمت، مانع تکلیف به ایمان نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۹۱).

خطاب در آیه، متوجه رسول اکرم ﷺ است، اما از نظر دو مفسر دلالتی بر انجام گناه ندارد. طباطبایی از آن، وجود تکلیف برای پیامبران را اثبات می‌کند.

### نهم- ذنب از منظر علامه در آیات دیگر

طباطبایی در تفسیر آیات دیگر از قرآن، نسبت گناه به معنای شناخته شده به پیامبران ﷺ را نمی‌پذیرد؛ هر چند هیچ کدام از آنها را نیز هم معنای ذنبی ذکر شده در آیه ۲ سوره فتح، نیاورده است.

برای مثال در ذیل آیه ۱۴ سوره شعرا در نسبت دادن گناه حضرت موسی ﷺ به خودش، آن را به بیان تصور قبطیان نسبت به عمل حضرت موسی ﷺ برمی‌گرداند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۶۰).

ایشان معنای «ذنب و استغفار» را در آیات دیگر از قرآن به معنای معمول خود ذکر کرده است. برای مثال در آیه ۴۰ سوره عنکبوت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۲۷)،<sup>۱</sup> آیه ۳۹ سوره الرحمن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۱۳)،<sup>۲</sup> آیه ۱۴ سوره شمس (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۰۰)<sup>۳</sup> و... کلمه ذنب، به معنای گناه آورده شده است. کلمه استغفار نیز در آیه ۱۱۴ سوره توبه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۶۳)،<sup>۴</sup> آیه ۲۹ سوره یوسف (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۴۴)<sup>۵</sup> و آیه ۹۸ سوره یوسف (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۴۶)<sup>۶</sup> به همان معنای طلب بخشش از گناهان ذکر شده است.

به طور کلی طباطبایی در نسبت دادن از گناه، در الفاظ مترادف با ملازم آن از قرآن نسبت به پیامبران ﷺ عقیده دارد که این آیات اثبات کننده گناهان برای پیامبران نیستند.

۱. «فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَسَبْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا وَمَا كَانُ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ».
۲. «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ».
۳. «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَلَمَّ يَسْتَمِعُ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا».
۴. «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ».
۵. «يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ».
۶. «قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ».

برای نمونه در ذیل آیه ۶۸ انفال «لَوْ لَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ اگر فرمان سابق خدا نبود به خاطر چیزی [اسیرانی] که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می‌رسید»، عتاب وارد شده به رسول اکرم ﷺ را متوجه ایشان نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۵)، همان‌گونه که در آیه ۳۷ احزاب «وَتُحْفَىٰ فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ؛ در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند؛ و از مردم می‌ترسیدی، درحالی که خداوند سزاوارتر است که از او ترسی» را دال بر نصرت و تأییدی در جبران طعن‌کنندگان آورده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۲۳).

درباره اینکه القای شیطان در آیه ۵۲ سوره حج «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانَ؛ هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه هرگاه آرزو می‌کرد، شیطان القائاتی در آن می‌کرد»، دلیل بر نفوذ شیطان بر پیامبر ﷺ و ظهور گناه از آنان است، باید گفت که طباطبایی آن را به مردم برمی‌گرداند و بیان می‌کند که هرگاه پیامبر ﷺ آیات خدا را به مردم می‌رساند، شیطان در دل‌های آنها وسوسه و ایجاد شبهه می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۹۲). ایشان در نسبت‌دادن گمراهی به رسول ﷺ که می‌تواند مقدمه‌ای در اثبات گناه برای ایشان باشد نیز عقیده دارد که منظور از آن، هدایت‌نشدن (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۱۰) است و بر امکان گناه دلالت ندارد.

### نتیجه‌گیری و نوآوری

آنچه از نظر این دو مفسر بزرگ در ذیل آیه استغفار از ذنب رسول ﷺ در آیه ۲ سوره فتح و دیگر آیات هم‌محور آمده، نشان می‌دهد که این دو مفسر در برخی موارد، اشتراک نظر دارند:

۱. هیچ‌کدام از مفسران در عصمت انبیا در زمان رسالت، انجام گناه کبیره را نمی‌پذیرند، اما در سهو و خطا به امکان وقوع عقیده دارند.
۲. هر دو مفسر قائل به معنایی متفاوت از استغفار از گناه پیامبر ﷺ در این آیه نسبت به دیگر آیات قرآن هستند. هیچ‌کدام از مفسران چنین معنایی از استغفار و ذنب در ذیل آیات ارائه نکردند و به آن معتقد نبودند.

افتراقات نظر دو مفسر نیز شامل موارد ذیل است:

۱. طباطبایی از واژه «ذنب» به معنای دنباله استفاده کرده؛ اما طبری آن را در معنایی متفاوت می آورد که رابطه‌ای مستقیم با معنای لغوی ندارد، بلکه از قرائن خارجی به دست می آید.

۲. طباطبایی با توجه به سیاق، آن را به تصور گناه مشرکان نسبت به رسول ﷺ و رفع آثار از گناه برمی گرداند؛ اما طبری براساس قرآینی از سوره نصر و مداومت پیامبر بر استغفار و روایات وارده، آن را به معنای دستوری از خداوند در حصول شکر می گیرد.

۳. علامه آن را به تصور دیگران درباره پیامبر برمی گرداند؛ ولی طبری آن را برای شکرگزاری خود پیامبر می پندارد.

این مقاله با بررسی مبنای عقیدتی و روش دو مفسر به بحث و مطالعه واژگان پرداخته است. طبری استغفار از ذنب در آیه ذکرشده را با استفاده از روایت و با بهره گیری از قرآن، به مراتبی از شکرگزاری برمی گرداند؛ اما علامه آن را ناشی از تصورات دیگران می داند که به آثار گناه مربوط است و البته روش صحیح تری براساس معنای «ذنب» است. به نظر می رسد که هرچند هر دو مفسر در تفسیر خود از واژه‌ها، بر مبنای عقیدتی خود تکیه دارند، روش آنها در ملاک مقدم دانستن کاربرد روایت و قرآن به قرآن، در این آیه برعکس یکدیگر است. در تفسیر طبری نگاه به معنی لغت، کمرنگ است؛ ولی در نظر علامه، مبنای لغوی نمود بیشتری در کشف معنای لفظ در قرآن دارد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد بن حسن. (بی تا). جمهرة اللغة. بيروت: دارالعلم للملایین.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس. (بی تا). معجم مقاییس اللغة (ج ۲ و ۴، محقق / مصحح: هارون، عبدالسلام محمد). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ازهری، محمد بن احمد. (بی تا). تهذیب اللغة (ج ۱۰ و ۱۴). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. پارسا، علیرضا؛ پریمی، علی. (۱۳۹۴). گستره عصمت انبیا از دیدگاه فخر رازی. پژوهشنامه فلسفه دین، ۱۳ (۲۶)، صص ۲۷-۵۲.
۵. حسینی دشتی، سید مصطفی. (۱۳۷۹). معارف و معاریف (ج ۲، چاپ سوم). تهران: آرایه.
۶. حیدری، کمال. (۱۴۲۹ق). العرفان الشیعی (ج ۱). قم: دار فراق.
۷. حیدری، کمال؛ طلال، حسن. (۱۴۳۱ق). معرفه الله من ابحاث السید کمال الحیدری (ج ۱). بیروت: دارالمرتضی.
۸. حیدری، کمال؛ طلال، حسن. (۱۴۳۷ق). اصلاح نفس (ج ۱). بغداد: مؤسسه الامام الجواد علیه السلام الفکر و الثقافه.
۹. خمینی، روح الله؛ خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). شرح چهل حدیث (ج ۱). تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌های علمیه قم. (۱۳۸۶). اصطلاح‌نامه معارف قرآن. قم: بوستان کتاب.
۱۱. دهلوی، رحمه الله. (۱۴۱۳ق). اظهارالحق (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.
۱۳. سبحانی‌نیا، محمد. (۱۳۹۳). گستره عصمت از منظر علامه طباطبایی علیه السلام، قیسات، ۱۹ (۷۴)، صص ۱۲۳-۱۴۶.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۵ق). عصمة الانبیاء فی القرآن الکریم (چاپ سوم). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.



۱۵. صاحب بن عباد؛ اسماعیل بن عباد. (بی‌تا). المحيط فی اللغة (ج ۵). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۱). کسر اصنام الجاهلیه. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین. (بی‌تا). شیعه در اسلام. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (ج ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۲۰، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۱ و ۱۳، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه های علمیه قم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱، محقق: محمدجواد بلاغی، چاپ سوم). تهران: ناصرخسرو.
۲۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۱، ۱۲، ۲۴، ۲۶ و ۴۳). بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. علم الهدی، علی بن حسین. (بی‌تا). تنزیه الأنبیاء. قم: دارالشریف الرضی.
۲۳. علی مددکاشانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۳). تفسیر ست سور من القرآن الکریم (ج ۱). تهران: شمس الضحی.
۲۴. فتاحی، حمید. (۱۳۹۰). انوار الہی (ج ۱). قم: میرفتاح.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (ج ۳، چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). کتاب العین (ج ۴ و ۸، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۲۷. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (بی‌تا). القاموس المحيط (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (طبعه الإسلامیة) (ج ۲، چاپ چهارم، محققان و مصححان: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۲۵، محقق: جمعی از محققان). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دائرة المعارف قرآن کریم (ج ۳). قم: بوستان کتاب.
۳۱. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۶، چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۲. مظهری، محمدثناءالله. (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری (ج ۹، محقق: غلام نبی تونسلی). پاکستان: مکتبه رشیدیه.
۳۳. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۶). تفسیر قرآن مجید (ج ۵، مصحح: محمدعلی ایازی). تهران: عروج.
۳۴. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی (ج ۱، چاپ دوم). تهران: ثامن.
۳۵. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۳۷۳). اوصاف الاشراف. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۶. نوروزی. مجتبی؛ علیپور، علی. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی «ذنب» و «استغفار» رسول اکرم ﷺ در قرآن از منظر آیت الله معرفت و فخر رازی. پژوهش های تفسیری، ۳(۶)، صص ۲۵۵-۲۶۸.

## References

\* The Holy Quran

1. Alam Al-Huda, A. (n.d.). *Tanziyah Al-Anabiyah*. Qom: Dar al-Sharif al-Radi.
2. Ali Madad Kashani, H. (1383 AP). *Tafsir Set Suwar min al-Qur'an al-Karim*. Tehran: Shams al-Zoha. [In Persian]
3. Azhari, M. (n.d.). *Tahdib al-Lughah*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
4. Center for Quranic Culture and Sciences. (1382 AP). *Encyclopaedia of the Holy Quran*, Qom: Bustan Kitab. [In Arabic]
5. Dehlavi, R. (1413 AH). *Izhar al-Haq*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
6. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Mafatih al-Ghaib*. (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
7. Farahidi, K. (n.d.). *Kitab Al-Ain*. (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Hijrat Publications.
8. Fatahi, H. (1390 AP). *Anwar Elahi*. Qom: Mirfatah. [In Persian]
9. Firouzabadi, M. (n.d.). *Al-Qamous al-Muhit*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
10. Heydari, K. (1429 AH). *Al-Irfan al-Shi'ei*. Qom: Dar Faraghad. [In Arabic]
11. Heydari, K., & Talal, H. (1431 AH). *Ma'arefah Allah min Abhath al-Sayyid Kamal al-Heydari*. Beirut: Dar al-Mortaza. [In Arabic]
12. Heydari, K., & Talal, H. (1437 AH). *self correction*. Baghdad: Al-Imam Al-Jawad (AS) Al-Fikr and Al-Thaqafa Institute. [In Arabic]
13. Hosseini Dashti, S. M. (1379 AP). *Ma'aref and Ma'arif*. (3<sup>rd</sup> ed.). Tehran: Arayeh. [In Persian]
14. Ibn Doraid, M. (n.d.). *Jamharah al-Lugha*. Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.
15. Ibn Faris, A. (n.d.). *Mujam Maqaees al-Lughah*. (Abdul Salam Mohammad, H, Ed.). Qom: Maktab al-A'alam al-Islami.
16. Islamic Propagation Office of Qom seminaries. (1386 AP). *Thesaurus of Quranic Studies*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
17. Khomeini, R., & Khamenei, A. (1392 AP). *Description of forty hadiths*. Tehran: Publishing Institute of Imam Khomeini's Works (RA). [In Persian]

18. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (Islamic version). (4<sup>th</sup> ed.). (Ghaffari, A. A., & Akhundi, M. Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
19. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. A group of researchers. Beirut: Dar Ihya al-Torath-al-Arab. [In Arabic]
20. Marafet, M. H. (1386 AP). *Tafsir of the Holy Quran*. (Ayazi, M. A. Ed.). Tehran: Orouj. [In Persian]
21. Mazhari, M. S. (1412 AH). *Al-Tafsir al-Mazhari*. (Tunesi, Q. N, Ed.). Pakistan: Maktabah al-Rashidiyah. [In Arabic]
22. Moein, M. (1386 AP). *Persian Dictionary*. (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Namen. [In Persian]
23. Mostafavi, H. (1430 AH). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
24. Nasir al-Din Tusi, M, (1373 AP). *Osaf al-Ashraf*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
25. Norouzi, M., & Alipour, A. (1396 AP). A comparative study of "sin" and "asking for forgiveness" of the Holy Prophet (PBUH) in the Qur'an from the perspective of Ayatollah Marefat and Fakhr Razi. *Interpretive Researches*, 3(6), pp. 255-268. [In Persian]
26. Parsa, A., & Perimi, A. (1394 AP). The scope of Prophets' infallibility from Fakhr Razi's point of view. *Journal of Studies of Philosophy of Religion*. 13(26), pp. 27-52. [In Persian]
27. Ragheb Esfahani, H. (n.d.). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam.
28. Sadruddin Shirazi, M. (1381 AP). *Kasr Asnam al-Jahiliyyah*. Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Arabic]
29. Sahib-bin-Ebad., & Ismail-bin-Ebad. (n.d.). *Al-Muhit fi al-Lughah*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
30. Sobhani Nia, M, (1393 AP), The scope of innocence from the perspective of Allameh Tabatabaei, *Qabasat*, 19(74), pp. 123-146. [In Persian]

31. Sobhani Tabrizi, J. (1425 AH). *Ismat al-Anbiya' fi al-Qur'an*. (3<sup>rd</sup> ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
32. Tabari, A. (1412 AH). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic]
33. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (3<sup>rd</sup> ed.). (Balaghi, M. J, Ed.). Tehran: Nasser Khosro, [In Persian]
34. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Translation of Tafsir al-Mizan*. (Mousavi Hamedani, S. M. B, Trans.). Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers. [In Persian]
35. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (5<sup>th</sup> ed.). Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers' Association. [In Arabic]
36. Tabatabaei, S. M. H. (n.d.). *Shia in Islam*, Isfahan: Qamiyeh Computer Research Center.

## **Editorial Board**

(Persian Alphabetical Order)

### **Reza Esfandyari (Eslami)**

Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Hossein Hassanzadeh**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Mahmoud Hekmatnia**

Full Professor at Research Institute for Islamic Culture and Thought

### **Mohammad Hassan Zali (Fazel Golpayegani)**

Professor at Islamic Seminary of Qom

### **Morteza Motaghinejad**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Sayyid Mahdi Majidi Nezami**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Farhad Mohammadinejad**

Assistant Professor at Payame Noor University

### **Koorosh Najibi**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Sayyid Taqi Varedi Koolaei**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Farajullah Hedayat Nia**

Associate Professor at Research Institute for Islamic Culture and Thought



### **Reviewers of this Volume**

Ali Reza Esfandiari Moghaddam, Morteza Abdi Chari, Mahdi Fassihi  
Ramandi, Koorosh Najibi, Hossein Hassanzadeh Maleki Rad.